

اشک پشیمانی پیرمرد در قتل همسرش



پیرمردی که به دنبال درگیری خانوادگی همسرش را کشته بود، دیروز در حالی که در دادگاه اشک می ریخت محاکمه شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواندو گفت: اسماعیل ۸۰ ساله متهم است که یک سال قبل همسر ۷۰ساله اش به نام مینا را در خانه شان با ضربات چاقو کشته است، اکنون با توجه به مدرک های موجود در پرونده برایش تقاضای اشد مجازات دارم. سپس پسر ۵۰ ساله متهم که تنها ولی دم بود، در جایگاه ویژه ایستادو برای پدرش قصاص خواست.

وی در حالی که اشک می ریخت گفت: با این که من تنها فرزند پدر و مادرم بودم اما پدرم همیشه با من بد رفتاری می کرد و مرا کتک می زد. او مادر مرا هم همیشه اذیت می کرد. هنوز صدای سیلی هایی که به صورت مر زده، در گوشم است و نمی توانم خاطرات کودکی ام را فراموش کنم.

وی ادامه داد: پدر و مادرم همیشه با هم درگیر بودند. یک هفته قبل از کشته شدن مادر از پدرم خواستم تا خانه دو طبقه ما ن را که یک طبقه آن به نام من و یک طبقه آن به نام مادرم بود، بفروشد تا پدر و مادرم جدا از هم زندگی کنند اما قبول نکرد. آخرین بار پدرم در غیاب من و با ضربات چاقو مادر مرا کشت و به طبقه بالا که من و همسرم در آن زندگی می کردیم آمد و به همسرم گفت که دست به این جنایت زده است. من نمی توانم از خون مادرم گذشت کنم و به مرگ پدرم راضی هستم.

به دنبال درخواست غیرقانونی پسر قربانی قضاات با وی صحبت کردند و توضیح دادند که طبق قانون امکان قصاص پدر وجود ندارد. به همین دلیل این مرد اعلام کرد با دریافت دیه گذشت می کند.

سپس مرد سالخورده در جایگاه ویژه ایستاد. او که خودش را به کری زده بود به سوالات قضاات دادگاه پاسخ های نامربوط داد و در حالی که گریه می کرد با اشاره به پسرش گفت: پسرم و همسرم همیشه مرا اذیت می کردند. پسرم با رفتار هایش باعث شد عصبانی شوم و در غیاب او مادرش را بکشم. من از قتل همسرم پشیمانم و طلب بخشش دارم. در پایان جلسه قضاات وارد شور شدند و با توجه به مدرک های موجود در پرونده مرد سالخورده را به پرداخت دیه کامل یک زن و ۱۰ سال زندان محکوم کردند.

زن جوان رنگ پریده و تکیده در اتاق در مان را باز می کند و روی صندلی می نشیند. لبخند تلخی بر لب دارد و می گوید: ۱۲ سال پیش من و شوهرم به همدیگر علاقه مند شدیم. مادر و پدرم مخالف بودند، اما من عشق را با تمام وجودم احساس می کردم. با اصرار های من خانواده رضایت دادند و ازدواج کردیم، اما خیلی زود همه چیز عوض شد و در همان چند ماه اول متوجه شدم شوهرم معتاد است. شو که شده بودم. باورش سخت بود. زن جوان ادامه می دهد: از حرف های شوهرم متوجه شدم که قبل از ازدواج با من هم اعتیاد داشته است، ولی به من حرفی نزده بود و این پنهان کاری و اعتیاد ذهنم را درگیر کرده بود. روز به روز می دیدم که از او فاصله می گیرم و دورو دورتر می شوم، تحملش دشوار بود اما اوبی اعتنا به این که جلوی او ذره ذره آب می شوم سرگرم خودش و مواد بود.

چند سال دیگر گذشت، شرایط روز به روز برای من سخت تر شد تا این که وقتی به خود ادمم متوجه شدم باردار هستم. اوایل می خواستم خودم را از شو موجود بی گناهی که هر روز در وجود من بیشتر رشد می کرد، خلاص کنم ولی نتوانستم تا این که فکر کردم می توانم بخشی از تنهایی هایم را با فرزندم پر کنم. دوران بارداری را با تمام سختی هایش طی کردم و فرزندم را به دنیا آوردم. پسرک کوچکی که دیدنش مرا شاد نمی کرد، حوصله گریه هایش را انداشتم و دلم نمی خواست او را در آغوش بگیرم. بیشتر وقت ها

کارمندیک شرکت خودروسازی به دنبال رابطه پنهانی با یکی از همکارانش وی را کشت. این مرد با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کرد و از چوبه دار به زندگی برگشت.

■ قتل زن کارمند

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۲ به دنبال پیدا شدن جنازه یک زن جوان در خانه اش در خیابان شریعتی تهران آغاز شد. شواهد نشان می داد مهناز ۳۰ ساله در غیاب شوهر و دختر خردسالش باسیم تلفن خانه خفه شده است. همسر مهناز به پلیس گفت: همسرم در یک شرکت خودرو سازی کار می کرد. من صبح دخترم را به مهد کودک بردم و سپس به محل کارم رفتم. اما چند ساعت بعد هر چه با تلفن همراه مهناز تماس گرفتم کسی پاسخ نداد. من که نگران او شده بودم با محل کار همسرم تماس گرفتم و فهمیدم او به محل کارش نرفته است. سپس به خانه برگشتم و ناچارانه با جنازه همسرم روبه رو شدم. کارت عابر بانک او و مقداری پول نیز سرقت شده است.

■ نخستین سرخ

این مرد ادامه داد: همسرم با یکی از همکارانش به نام پیمان رابطه خوبی داشت و گاهی اوقات تلفنی با او صحبت می کرد. صبح که در حال ترک خانه بودم، یک مرد جوان شبیه پیمان را در نزدیکی خانه مان دیدم که یک کوله پشتی در دست داشت.

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد، پیمان به عنوان نخستین مظنون بازداشت شد. وی گفت: من در یک شرکت خودرو سازی با مهناز همکار هستم. وقتی پدرم فوت کرد، شرایط مالی بدی داشتم. به همین دلیل مهناز حاضر شد پنج میلیون تومان به من قرض بدهد. چهار میلیون تومان را همان سال به او برگرداندم و

گریه می کردم و بی حوصله بودم. چند هفته ای مادرم به خانه ما آمد و به من کمک کرد تا این که او هم رفت و من ماندم و نوزادی که نیاز به مراقبت داشت، اما.....

اشک پنهانی صورتش را خیس می کرد و دردی عمیق در نگاهش می پیچید.

می پرسم: همسرت کجاست؟ با دست به بیرون اتاق اشاره می کند.

مرد انگار در درونش غوغایی است، می نشیندو به زن نگاه می کند. زن با دیدن مرد انگار سردرد دلش باز وخشم هایش لبریزی می شود.

– همیشه می گوید تو یک زن غرغرو هستی. بچه ات هم مثل خودت است. خب هر چه که بوده، بوده است دیگر. آدم که نباید این قدر با گذشته زندگی کند. خیلی راحت می تواند همه چیز را فراموش کند. خیلی راحت به خودش بگوید چیزی نشده است، شوهرم یک اشتباهی کرده خودش هم فهمیده است. مرد به همسرش نگاه می کند و می گوید: با همین غرغره ایتم من را خسته می کنی. یادت می آید اول ازدواج مان وقتی فهمیدی اعتیاد دارم خودت را از من دور می کردی دور که کشدی من بیشتر به سمت مواد رفتم و درگیر شدم. اگر این کار را نکرده بودی، من الان در این شرایط قرار نداشتم. به مرد می گویم: قطعاً اشکالاتی در زندگی تان وجود داشته که قبل از ازدواج به طرف اعتیاد رفته اید ولی زمانی که ازدواج می کردید، او را در جریان اعتیادتان قرار دادید؟

■ در دادگاه

بدین ترتیب، پیمان دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه پیمان روبه روی قضاات ایستاد و در تشریح آشنایی اش با قربانی گفت: من وزن جوان همکارم بودم. او گفته بود مدتی است از همسرش جدا شده و من نمی دانستم او با همسر دخترش زندگی می کند. ما تلفنی با هم در ارتباط بودیم و مهناز به من پول قرض داده بود. وی ادامه داد: پس از مدتی می خواستم رابطه تلفنی ام را با مهناز تمام کنم اما او قبول نکرد. آخرین بار او را به خانه اش دعوت کرد تا در این باره با هم صحبت کنیم. وقتی به خانه مهناز رفتم سر بدهکاری که به او داشتم با هم درگیر شدیم و من در اوج خشم او را خفه کردم. ولی من واقعا قصد کشتن او را نداشتم و نمی دانستم شوهر و فرزند دارد.

وی در باره نحوه جلب رضایت اولیای دم گفت: خانواده ام همه زندگی شان را فروختند تا بتوانستند مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان به عنوان دیه به اولیای دم بپردازند. من حالا پنج سال و ۱۰ ماه است که در زندانم و در این مدت به اندازه کافی تنبیه شده ام. از قضاات تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.

سپس مادر متهم که در دادگاه حضور داشت به قضاات گفت: ما همه وسایل خانه مان را فروختیم تا توانستیم دیه را به اولیای دم بپردازیم. پسرم در مدتی که در زندان بود، تنبیه شده و حالا از قضاات تقاضای کمک دارم. او در جوانی اشتباه بزرگی مرتکب و در این مدت ادب شده است.

در پایان جلسه قضاات وارد شور شدند و پیمان را به پنج سال و ۱۰ ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. به این ترتیب قرار شد وی از زندان آزاد شود.

آگهی تغییرات موسسه حسابرسی و خدمات

مدیریت رایمند امین به شماره ثبت ۳۱۲۱

و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۶۳۵۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ۱۳۹۸/۰۸/۱۴ استنادری خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
مورخ ۹۸/۷/۱ جامعه حسابداران رسمی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱- سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای روح اله گلמکانی ۰۹۳۳۷۵۷۸۳۲

به سمت رئیس هیات مدیره

– آقای سید علیرضا یحیائیان بافنده ۰۹۳۳۶۹۸۸۶۰

به سمت نایب رئیس هیات

مدیره و مدیر عامل

– آقای عبدالکریم مقدم ۱۸۱۸۹۶۱۵۷۱

به سمت هیات مدیره

۲- اوراق و نامه های عادی و کلیه اسناد و اوراق

تعهد اور مؤسسه از قبیل قراردادها، چک، سفته،

برات و سایر اوراق تجاری با امضا دو نفر از اعضا

هیات مدیره با مهر موسسه معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره

ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۱۳۲۷۵)

۰۹/۸۱۳۳۰۳۳

آگهی تغییرات شرکت شعله زیت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت۴۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۰۲۷۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
– محل شرکت در واحد ثبتی مشهد به آدرس استان خراسان رضوی – شهرستان مشهد – بخش مرکزی – شهر مشهد- محله سعد آباد- خیابان منوچهری[شهیدقزنی]۸- بلوار شهیدقزنی- پلاک ۴- طبقه دوم- واحد ۴ – کدپستی ۹۱۳۹۹۸۳۴۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۱۳۲۷۵)

۰۹/۸۱۳۳۰۳۳

آگهی تغییرات شرکت شفیع سازه شرق

شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۵۱

و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۱۱۴۱۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ۱۳۹۸/۰۹/۱۸ و صورت جلسه تفکسی مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- آقای نصرالدین شفيعی به شماره ملی ۰۸۵۹۳۹۱۴۴۲
۲- آقای مهران شفيعی به شماره ملی ۰۰۵۵۰۴۵۳۱۶
۳- آقای بهنام شفيعی به شماره ملی ۰۹۳۹۲۶۶۲۷

به عنوان نماینده جدید شرکت سرما به گذاری

عمران سارا در هیئت مدیره برای مدت باقیمانده

تصدی مدیریتان تا ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ گردید

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره

ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۱۳۲۷۲)

۰۹/۸۱۳۳۰۵۹

آگهی تغییرات شرکت شعله زیت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت۴۴۹۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۰۲۷۲۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ۱۳۹۷/۰۵/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
– محل شرکت در واحد ثبتی مشهد به آدرس استان خراسان رضوی – شهرستان مشهد – بخش مرکزی – شهر مشهد- محله سعد آباد- خیابان منوچهری[شهیدقزنی]۸- بلوار شهیدقزنی- پلاک ۴- طبقه دوم- واحد ۴ – کدپستی ۹۱۳۹۹۸۳۴۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۱۳۲۷۵)

۰۹/۸۱۳۳۰۵۹

بررسی حوادث

زندگی زن وشوهر زیر ذره بین روان شناس جان گرفت

پایان ۱۲ سال توفان زیر سقف خانه عاشقانه



می گوید: نه نگفتم.

می پرسم: چرا؟

می گوید: چون دوستش داشتم.

می گویم: به نظرتان وقتی کسی را دوست داریم

باید چیزی را از او پنهان کنیم؟

نگاه می کندو چند لحظه بعد سرش را به علامت

نفی تکان می دهد و می گوید: قبول دارم که من

مشکلاتی داشته و دارم، ولی می توانم فراموش

کند.

می گویم: اجازه دهید یک سوال از شما داشته

باشم، یادتان می آید که در کودکی یا حتی وقتی

جوان تر بودید، از طرف نزدیکان تان سیلی

خورده باشید؟

با لبخند می گوید: بله، پدرم کارش همین بود،

وقتی می خواست ما را سر جای خودمان بنشاند،

۹

بنابراین باید روی لحظه حال و اکنون تمرکز کنیم.

مرد می گوید: اجازه دهید نکته ای را که الان متوجه شدم بگویم. من با اعتیاد به همسر ضربه زده ام و اگر این اشتباه را نمی کردم، او سال ها افسرده نبود. اگر این کار را نکرده بودم این همه بین ما فاصله نیفتاده بود. حالا که نمی شود فراموش کرد، باید چه کار کنیم؟

می گویم: همه آدم ها اشتباه می کنند، اگر چه مشکلات و ناراحتی ها فراموش نمی شوند ولی می شود با بخشش هم به خود و هم به رابطه آرامش و گرم داد.

به همدیگر نگاه می کنند. برمی خیزند تا اتاق را ترک کنند. مرد می گوید: زندگی مان را دوست دارم. می خواهم رابطه مان پر از گرما و آرامش شود.

زن نیز می گوید: به من یاد می دهید که چطور باید بخشید؟

چند جلسه بعد مرد برای ترک اعتیاد اقدام کرد

و زن با دنبال کردن جلسات در مان، توانست تا

حدی بر افسردگی غلبه و رابطه اش را با همسر و

پسرشان صمیمی تر کند.

وقتی نگاه ها از سرگردانی در می آیند و دست

های لرزان در هم گره می شوند، برگ سبزی

در دفتر زندگی ورق می خورد و شکوه زندگی

متجلی می شود.

زندگی های تان پر از تجلی!

تهیه و تنظیم: مریم سامانی، روان شناس

رد پای دختر خانواده ثروتمند در معمای گم شدن باغبان

باز داشت شدند و یکی از آن ها که از اعضای خانواده صاحبخانه بود به ماموران گفت: حسن ۱۷ سال است که برای ما کار می کند و ماهی ۴ میلیون تومان حقوق می گیرد، تا به حال هیچ یک از اعضای خانواده و کارگران از او بدی ندیدند و کسی با او مشکلی نداشته، نمی دانیم چه اتفاقی برای او افتاده است و همه ما نیز نگران او هستیم. در ابتدا پرونده آدم ربایی پیش روی ماموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت اما تا توجه به این که هیچ تماس مرمرزی گرفته نشد و مشخص شد حسن وضعیت مالی خوبی ندارد، پرونده آدم ربایی بسته شد و برادر حسن با حضور در دادسرای امور جنایی شکایتی مبنی بر به قتل رسیدن برادرش ارائه داد.

تجسس های فنی ادامه داشت اما هیچ سرخی از جسد و عامل جنایت معمایی به دست نیامد و پرونده برای سیر مراحل قانونی به شعبه ۱۰ دادگاه یک کیفری استان تهران ارجاع شد. قضاات پس از بررسی پرونده با توجه به این که ترنس همزمان با خارج شدن حسن از خانه ویلایی از آن جا بیرون آمده بود، برای او مباحثرت در قتل عمدی حسن گرفتند و دستور بازداشت این زن را که در بازجویی ها تناقض گویی های زیادی داشت، صادر کردند. بدین ترتیب، زن جوان به اتهام مباشرت در قتل عمدی حسن دستگیر و باقرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. بنا به این گزارش، به زودی پرونده معمای ناپدید شدن حسن در شعبه ۱۰ کیفری یک استان تهران مورد بررسی قرار می گیرد و حکم نهایی اعلام خواهد شد.



پرونده ناپدید شدن مرد باغبان در خانه ویلایی پاسداران پس از سه سال با بازداشت دختر خانواده ثروتمند به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. صبح روز ۵ خرداد سال ۹۵ بود که مردی ۴۰ ساله با حضور در کلانتری تجریش از ناپدید شدن برادرش خبر داد و اعلام کرد که ساعت ۷:۴۰ صبح روز گذشته برادرم برای رفتن به محل کارش در خیابان تجریش از خانه خارج شد، اما دیگر کسی از برادرم اطلاعی ندارد. بدین ترتیب، تیمی از ماموران برای ردیابی مرد ۳۵ ساله وارد عمل شدند و در گام نخست مشخص شد که این مرد ۱۷ سال به عنوان پیشکار در خانه ۳ هزار متری زن جوانی مشغول به کار بوده و صبح آن روز در حالی که خودروی پژوی او در مقابل خانه پارک بوده از آن جا خارج شد اما دیگر باز نگشته است. کارآگاهان در ادامه به سراغ زن حسن رفتند که به ماموران گفت: شوهرم شب قبل از من خواست که او را صبح زود بیدار کنم تا به محل کارش برود، ساعت ۶ صبح همسرم به محل کارش در خانه باغ رفت و ساعت ۹ صبح دختر صاحبخانه که ترنس نام دارد با من تماس گرفت و از ناپدید شدن شوهرم خبر داد. سپس تیم پلیسی ترنس را هدف تحقیق قرار دادند و تنها سرخ، تناقض گویی های این زن در تحقیقات بود و این در حالی بود که بررسی دور بین های مدار بسته نشان می داد روز حادثه ابتدا حسن از خانه خارج شده و به سمت دماوند رفته است و ترنس نیز پس از خارج شدن حسن آن جا را ترک کرده است. در ادامه تحقیقات چهار مرد مظنون دیگر در پرونده

آگهی تغییرات انجمن توسعه موزه داران بارناوا موسسه غیر تجاری

به شماره ثبت ۵۵۲۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۸۶۱۳۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ۱۳۹۸/۰۵/۲۸ ونامه شماره ۳۸/۲۲/۱۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۴ استنادری خراسان رضوی تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

– صورتهای مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ به تصویب رسید. جمشید خسروی بیژانم کدملی ۰۶۵۱۱۰۶۰۹۵

و مهدی اقبال کدملی ۰۶۵۳۹۱۸۴۹۲۱ ترنس شالچیان رایج کدملی ۰۰۷۰۵۶۱۵۴۰

به سمت اعضاء هیئت مدیره فاطمه شالچیان کدملی ۰۹۳۹۷۷۸۷۳۴ و حمید رضا رازقیان به

کدملی ۰۷۷۹۴۶۶۲۸۴ به سمت اعضا علی البدل هیات مدیره انتخاب شد.

کیهان بهادری کدملی ۰۷۰۲۴۱۲۰۳۱ بعنوان بازرس اصلی و رضا قزاق کدملی ۲۲۴۹۳۵۴۰۹۱

بعنوان بازرس علی البدل انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۱۳۲۷۳)

۰۹/۸۱۳۳۰۳۳

آگهی تغییرات شرکت مجتمع کشت و صنعت چین چین شرکت سهامی عام

به شماره ثبت ۱۲۹۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۸۸۵۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۳۰ ونامه شماره ۹۸/۹/۱۱ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱- اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: شرکت آروین ملل زرین سهامی خاص با کد شناسه ملی ۱۴۰۰۵۴۶۲۵۱

شرکت کشت و صنعت بین الملل چین چین سهامی خاص با کد شناسه ملی ۱۳۸۰۳۳۹۵۹۸

شرکت آریا ملل زرین سهامی خاص با کد شناسه ملی ۱۰۳۹۹۵۲۸۶

شرکت زرین دام پارس سهامی خاص با شناسه ملی ۱۰۲۲۴۰۲۲۳

به عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره و شرکت زرین لین پارس سهامی خاص با شناسه ملی ۱۰۲۲۳۸۶۹۶۰

به عنوان عضو علی البدل هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

– روزنامه خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. –توازنامه و صورتهای مالی منتهی به

۱۳۹۸/۰۳/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت.

–موسسه حسابرسی وخدمات مدیریت سامان پندار با شناسه ملی ۰۱۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ به عنوان بازرس

اصلی وموسسه حسابرسی وخدمات مالی گوشا منش با شناسه ملی ۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ عنوان بازرس علی

البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۷۱۳۲۷۴)

۰۹/۸۱۳۳۰۳۶

۰۹/۸۱۳۳۰۳۹

۰۹/۸۱۳۳۰۵۲